

سهمین عشق

به کوشش

هدی صابر

فهرست عناوین

	مشارکت در باروری یک دستاورد یادآوری
	مردانه وداع سحرگاهی قبل از آغاز
17	در کوچه پس کوچه های نوجوانی
25	دانشگاه؛ جهان نو برای جوان تبریزی
47	زندان اول؛ منزل جمع بندی
57	سربازی با چشم انداز عمل
69	در پی تحقق یافته ها
93	اندیشه بورزا! کار مکتبی، جان مایه حیات
123	فرزند کتاب
135	مشی بومی به همراه صبوری
185	محمد آقا و بزرگان
199	سازماندهی انسانی
223	در تور پلیسی - امنیتی
265	«زنده»گی در زندان
277	چرا ضربه؟
291	مرگ پهلوانی
321	محمد را چگونه یافتیم؟
341	آقاسعید؛ جهان پرشرر کن
443	عمو اصغر؛ صبوری کن، صبوری کن، صبوری
507	جوان اولان که بودند؟
551	اطلاعیه ها
571	سرودهای پس از وداع
583	سروده های پس از وداع

مشارکت در باروری یک دستاورد

در آستانه سی و ششمین سالگشت شهادت
بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق ایران؛ محمد
حنیف نژاد، سعید محسن، اصغر بدیع زادگان، دستاورد
حاضر را به روان پاک آنان و به مردم عزیزمان تقدیم
می کنیم، باشد تا هموطنانی که به نحوی با این سه
بزرگوار ارتباط داشته، یا ایده ها و شنیده هایی دارند برای
ما بفرستند تا در اسرع وقت بتوانیم این مجموعه را
کامل کرده و پس از سیر قانونی، آن را منتشر کنیم.

به نام خدا

یادآوری

با پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن 1357، قدرت و دستیابی به آن، ما را از یاد مجاهدان و مبارزانی که زمینه ساز انقلاب شده بودند، غافل کرد. بعد از انقلاب یاد این یادآوران و گوهرهای تابناک را به فراموشی سپردیم و چنان قحط سالی شد که یاران فراموش کردند عشق... دستاورد حاضر که باتلاش های بی‌شائبه هدی صابر گردآوری شده، یادی است از سه یادآور، سه هم‌پیمان عشق و سه بنیانگذار سازمان مجاهدین محمدحنیف نژاد، سعید محسن و اصغر بیع زادگان که در سحرگاه چهارم خرداد 1351 به دیار دوست شتافتند. جان دادند اما جانان نفروختند. با این امید که این تلاش - هر چند دیر شده - ادامه یابد و محدود به این سه یادآور نماند. «هم‌پیمان عشق» الهام گرفته از نیایش علی (ع) است که مجاهد شهید سعید محسن هم در پی هر نمازی، آن را زمزمه می‌کرد و با آن مانوس بود: الهی حلیف للحب فی اللیل ساحر بناجی و یدع المغفله یهجع.

«پروردگارا هم‌پیمانِ عشق، با نیایش و دعامندی، شب زنده‌داری می‌کند در حالی که غافل، از غفلت خود، هم غافل و هم در خواب است».

سعید با این روش همیشه خود را مخاطب خدا می‌کرد تا از قرآن چیزی بفهمد و برای حل مشکلات راهکاری بیابد.

لطف الله میثمی

به اسم دوست

مردانه وداع سحرگاهی

به قدر لحظاتی چند، نه فزون تر

دیده بر بند با مژگانی شاید تر

یاد آر گلفام سحرگاهی در فرخنده بهاری

که سرآمد انتظار وهم حیک جوان اولانی

قفل چرخید، آهنی نالید، پاشنه ای گردید

نهبان سکوت محض بند چنداسمی درفضا پاشید

آذری مردی برخاست بی هیچ تودید بی هیچ لرزش

از بیخ نای، متین و خوش یقین برآورد غرش؛

«زنده باد اسلام، زنده باد قرآن، مرگ بر امپریالیسم»

بندیان یک باره برخاستند، قطره برگونه

با قلبی پرتپش، پر کینه، دلی گلگونه

دانستند همگان، گاه است گاه وداعی اشک ساران

بر دیده و گونه و گریبان، واپسین بوسه باران

دگر باره دیده بر بند، دیدگانی شاید خیس

در منظر آر، بدرقه دگر مردی بسان قدیس

مارکسیست های بند، صف بسته، خبردار، بی قیل و قال

وقت عبور لُغر پشت سوخته، بی ادعا، افتاده حال

قدری آن سوتر نیز دیدنی است

رؤیت این گونه رفتار، بس تأمل کردنی ست

در پرده ای دگر، شادان مردی خندان، مستان

باروین می بستجامه دانچه چید بهررفتن از این کاشان

باری، باری به صف شدند پنج مجاهدپاک باز

با وجد درون، آخرین ترانه کردند ساز؛

«جهان خوار و دزخیم و وابسته هان! تو محکوم مرگی و ما جاودان»

لحظه هایی تاب، راه گذر باریک، همچنان هوا تاریک

فاصله اوین تا چیتگر دم به دم نزدیک

آن گه که شد گرگ و میش هوا، با حضور صبا

چوبه و سُرَب و تیرانداز، جمله مهیا

این همه، اسباب همیشه آماده میهن من، میهن تو

تا پَر پَرک شوند هر دم، گل بهاران نو به نو

خوتتی خون خوار کیفی گُش، عجول و پرشتاب

پنج مرد بسته به چوبه، کماکان رزمنده، هر چنان شاداب

اندکی پیش از عمل ماشه چکان های صوت سنگ

رهرو کوچه پس کوچه های عاشقی تنگ در تنگ

افسر توپخانه دوران وظیفه، بانی نهاد نویی نویایه

فرماندهی میدان آتش خود را نیز خود گرفت برعهده؛

«هن، محمد حنیف نژاد به شما فرمان آتش می دهم»

ز آمیزش برق آتش و خون، افق اندکی گرایید به رنگ سرخ

مردان چهارم خرداد با نسل های پس از خود، هواره رخ به رخ

آموزگاران نلایده ام، درسم دادند بر تخته سپید پرثبات

رقصنده در طول حیات، پهلوان به وقت وفات

هدی

قبل از آغاز

محتوای مجموعه «سه هم پیمان عشق» بخشی برگرفته از میدان مصاحبه و بخشی گردآمده از مکتوبات و مستندات منتشره است. متن مصاحبه ها، فراز به فراز به صورت موضوعی تنظیم و تفکیک و مجموعه مکتوبات و مستندات نیز با همان روش تقسیم بندی شده اند. از مجموع فرازهای برگرفته از مصاحبه ها و مستندها، بیست و یک فصل فراهم آمد. ده فصل نخست، روند تکوین شخصیت و هویت محمد حنیف نژادو دیدگاه های او را پی می گیرد. سه فصل بعد به طور عمومی به ضربه 50 و زندان می پردازد، فصل پس از آن مرگ پهلوانی جوان اولان را تصویر می کند و سپس تلقی دیگران از محمدآقا و سیر سعید محسن واصغر بدیع زاگان ره گیری می شود. متن این مجموعه با فصل «جوان اولان که بودند؟» و اطلاعیه ها و سرودها و سروده های پس از شهادت آنان، به ته می رسد.

در میدان مصاحبه برای ثبت وضبط دیده ها و شنیده ها و لباشته های پس پشانی ها به سراغ کسانی رفتیم که نلم شان به ترتیب حروف الفبا در فهرست ذیل آمده است:

علی اکبر بدیع زادگان، 1317 برادر علی اصغر بدیع زادگان

محمد پسته نگار، 1320، عضو انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران در انتهای دهه 1330 و ابتدای دهه 1340، عضو نهضت آزادی ایران 1340 - 1358

محمد توسلی، 1317، عضو انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده فنی دانشگاه تهران در نیمه دوم دهه 1330، عضو نهضت آزادی ایران

حمدالله حنیف نژاد پدر محمد حنیف نژاد

رضا رئیس طوسی، 1315، عضو انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران در انتهای دهه 1330

محمدعلی سپانلو، 1318، همدوره خدمت وظیفه محمد حنیف نژاد

عزت الله سبحانی، 1309، عضو نهضت آزادی ایران 1340-1358

تقی شامخی، 1322، عضو انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده کشاورزی کرج در انتهای دهه 1330 و ابتدای دهه 1340

حسین شاه حسینی، 1306، عضو جبهه ملی ایران، هم بند محمد حنیف نژاد در زندان سال 1342

میرصادق فرهنگی، 1319، عضو انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده کشاورزی کرج در انتهای دهه 1330 و ابتدای دهه 1340، همدوره تحصیلی محمد حنیف نژاد در دانشکده کشاورزی کرج و هم بند وی در زندان سال 1342

ابوالحسن قائمی، 1318، شوهر خواهر سعید محسن

عذرا محسن، 1321، خواهر سعید محسن

مریم محسن، 1323، خواهر سعید محسن

محمد محمدی گرگانی، 1322، عضو سازمان مجاهدین خلق ایران تا سال 1355

علی اکبر هین فر، 1307، از اعضای انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده فنی دانشگاه تهران در دهه 1320

هرمز ممیزی، 1320، هم‌دوره خدمت وظیفه محمد حنیف نژاد

لطف الله میثمی، 1319، عضو انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده فنی دانشگاه تهران، عضو نهضت آزادی ایران در بدو تأسیس، عضو سازمان مجاهدین خلق ایران

محمد میلانی، 1318 هم کلاس محمد حنیف نژاد در تبریز، عضو سازمان مجاهدین خلق ایران تا سال 1357

ابوتراب وکیلی، 1319، هم‌دوره تحصیلی محمد حنیف نژاد در دانشکده کشاورزی کرج

همراه تا سال 47، مایل به درج نام نبود

همراه تا سال 48، مایل به درج نام نبود

حبیب یکتا، 1319، عضو انجمن اسلامی دانشکده فنی دانشگاه تهران در انتهای دهه 1330 و ابتدای دهه 1340 و همراه دهه 40 محمد حنیف نژاد

یونس یکتا، 1320، از دوستان محمد حنیف نژاد